

نسبت نشان فرهنگی و سوزن دوزی بلوچ

گلناز کشاورز

پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، پژوهشکده نظر

golkesavarz@gmail.com

شهره جوادی

دکتری تاریخ هنر، دانشگاه تهران، پژوهشکده نظر

javadi1336@gmail.com

چکیده

یکی از راه‌های شناسایی ویژگی‌های فرهنگی هر قومی مطالعه پوشاک آن‌هاست. پوشاک سنتی در هر جامعه‌ای می‌تواند نشان دهنده هویت و فرهنگ آنان باشد. پوشاک سنتی بلوچ به دلیل کاربرد فراوانش ارزشمندترین سرمایه فرهنگی آن‌ها است و بعد بصری هویت اجتماعی و فرهنگی این قوم را نشان می‌دهد. مهم‌ترین مشخصه پوشاک بلوچ، سوزن‌دوزی آن است که بر لباس‌های زنانه دوخته می‌شود. نقوش هندسی این هنر ارزش‌های نمادین فرهنگ و هویت پیشین عشایری این قوم را نشان می‌دهد. در میان هیچ قوم عشایری دیگری در ایران این گونه نقوش هندسی بر پوشاک تبلور نیافته است. از طرف دیگر در سال‌های اخیر تعیین نشان فرهنگی شهرها و اقوام مختلف که بتواند به صورتی موجز در راستای اهداف توسعه‌ای، معرف کلیت فرهنگ منطقه باشد مورد توجه قرار گرفته است. تعیین این نماد فرهنگی به پایداری و حفظ هویت قوم مزبور کمک کرده و به شناسایی و شهرت فرهنگ مورد نظر منجر خواهد شد. کاربرد فراوان سوزن‌دوزی بلوچ بر پوشاک می‌تواند به عنوان مهم‌ترین نشانه هویتی و فرهنگی قوم بلوچ تعیین شود. هدف این مقاله بررسی تأثیر فرهنگ و هویت عشایری بر تزئینات پوشاک زنانه بلوچ و بیان دلایل تناسب این هنر با نشان فرهنگی آن است. فرضیه این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی مورد ارزیابی و اثبات قرار گرفته است. در نتیجه این مطالعات مشخص شد که سوزن‌دوزی می‌تواند نماینده نشان و هویت بصری فرهنگ بلوچ باشد.

واژگان کلیدی

نشان فرهنگی، سوزن‌دوزی، بلوچ، هویت، پوشاک.

مقدمه

فرهنگ سرزمین بلوچستان در صد سال اخیر در زمینه پوشاک بدون تغییر باقی مانده است. با وجود تغییرات بسیار در لباس اقوام شهرنشین ایرانی، هنوز هم منتسبین به این قوم، حتی در شهرها، اهتمام خاصی به پوشیدن لباس‌های سنتی خود دارند. جذاب‌ترین وجه پوشاک سنتی بلوچ، در پوشاک زنان آن به واسطه سوزن‌دوزی‌هایش مشاهده می‌شود. پوشاک و صنایع دستی به کار رفته در آن از عوامل اساسی معرفی فرهنگ‌ها و نمایش تجسمی هویت آن‌ها است. سوزن‌دوزی بلوچ ضمن داشتن ارزش‌های تجسمی والا، به دلیل کاربرد فراوانش می‌تواند مهم‌ترین سرمایه مادی هویتی- فرهنگی بلوچ باشد. در طرح‌های هندسی هنر سوزن‌دوزی می‌توان ماحصل برآورد کلی از فرهنگ و هویت این قوم را تشخیص داد.

در این مطالعه ضمن بررسی مفهوم هویت و نشان فرهنگی و اهمیت آن‌ها، پیشینه تاریخی قوم بلوچ جهت آشنایی با فرهنگ و هویتشان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه به اهمیت پوشاک و تزئینات سوزن‌دوزی آن، همراه با مشخصات تجسمی‌اش پرداخته خواهد شد تا بتوان اثبات کرد که سوزن‌دوزی می‌تواند به عنوان نشان فرهنگی قوم بلوچ در نظر گرفته شود. در حقیقت باید بتوان زیبایی‌شناسی سوزن‌دوزی بلوچ را بر ویژگی‌های هویتی و فرهنگی آن تطبیق داد تا در نهایت این هنر را به عنوان نشان فرهنگی بلوچ برگزید.

این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به سوالاتی زیر است:

-مهم‌ترین مشخصات فرهنگی و هویتی قوم بلوچ چیست؟
-ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و تجسمی سوزن‌دوزی بلوچ تا چه میزان قابل انطباق با مشخصات فرهنگی و هویتی این قوم به عنوان یک نشان فرهنگی است؟
-آیا می‌توان سوزن‌دوزی بلوچ را به عنوان نشان فرهنگی آن‌ها

معرفی کرد؟

فرضیه: «هنر سوزن‌دوزی، نماینده هویت و نشان فرهنگی قوم بلوچ است.»

مطالعات بسیاری پیرامون ویژگی‌های سوزن‌دوزی بلوچ صورت گرفته است، از مواد مصرفی این هنر و روش اجرای آن گرفته تا نقش و طرح و مفاهیم آن. مانند کتاب‌های سوزن‌دوزی بلوچ اثر زهرا ریگی و کتاب دیگری با همین عنوان اثر صدیقه صادقی دخت. همچنین مطالعاتی پیرامون چگونگی رواج هنر سوزن‌دوزی در میان این قوم و اهتمام بر استفاده از آن بر پوشاک زنانه انجام شده است. از آن جمله مقاله «پوشاک محلی بلوچ‌ها و پیوستگی آن با هویت ملی» است که در فصلنامه مطالعات ملی به چاپ رسیده است. در این مقاله بر حسب اندازه‌گیری آماری در میان ساکنان منطقه بلوچستان، میزان تمایل آنان نسبت به کاربرد پوشاک محلی زنانه که سوزن‌دوزی را نیز شامل می‌شود، سنجیده شده است. نتیجه غیر مستقیم این است که هنر سوزن‌دوزی، به موازات پوشاک محلی زنانه، مورد اقبال بیش از ۹۰ درصد قوم بلوچ در شهرها و روستاهاست.

از دیگر مطالعات ارزشمند در این زمینه می‌توان به مواردی اشاره نمود که به مقایسه نقوش و زمینه‌های کاربرد هنر سوزن‌دوزی در میان اقوام ایرانی پرداخته است؛ همچون قوم ترکمن که قرابت فرهنگی-هنری نیز با بلوچ‌ها دارند. مقاله «تحول کاربرد تزئین در سوزن‌دوزی بلوچ و ترکمن به شیوه سنتی و مدرن» که در دو فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات هنر اسلامی به چاپ رسیده است، در این بین بیشتر مورد توجه بوده است. حسین یآوری نیز نکات مفصلی پیرامون ویژگی‌های انواع رودوزی‌های سنتی ایرانی و نیز هنر سوزن‌دوزی بلوچ در کتبی چون آشنایی با هنرهای سنتی ایران و شناخت صنایع دستی ایران ارائه کرده است.

مفهوم هویت و نشان فرهنگی قومی

هویت مجموعه‌ای از صفاتی است که باعث تشخیص یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌شود. واژه نامه آکسفورد هویت را کیستی و چیستی شخص می‌داند (Oxford, 2008). هویت مجموعه مادی و معنوی شامل آداب، رسوم، معتقدات، علوم و هنرهایی است که فراگرفته می‌شوند (روح الامینی، ۱۳۸۸: ۹۶) و تعیین کننده مرزها است. «افراد یک اجتماع از طریق هویت جمعی، خود را با گذشتگان در وجوه فرهنگی خاصی مشترک می‌یابند» (Stedman, 2003:674). این مفهوم در طی زمان و به

تدریج شکل می‌گیرد و همواره با باورهای انسانی در حال تحول است. هویت می‌تواند تبار، سرچشمه، حافظه یا تجارب تاریخی مشترک و منبع فرهنگی یک قوم را تعریف کند (Ashcraft & Tiffin & Griffith, 1998: 84). به واسطه هویت فرهنگی، افراد یک حوزه خود را متعلق به هم می‌دانند و از نظر دیگران متعلق به هم شناخته می‌شوند. «هر چه در کم و کیف خاطرات یادشده نقصان افتد، از شدت اشتراک ذهنی و مفهومی نسل‌های گوناگون کاسته می‌شود. در نتیجه آن اجتماع جدید خود را کم‌خاطره و به تبع

بوده و معنی به نیکی شناخته شدن یک فرهنگ را دارد. در نظام تمدنی معاصر حرکت‌های تمدنی از طریق نشان‌سازی فرهنگی در معرض نمایش قرار می‌گیرند.

در چنین شرایطی تعلق خاطری که قوم بلوچ به پوشاک سنتی خود و هنر سوزن‌دوزی دارند، بسیار ارزشمند است. چنانچه مهم‌ترین وجه فرهنگی بلوچ شناسایی شده و به عنوان یک نشان قومی و فرهنگی مورد تبلیغ قرار گیرد، می‌توان نسبت به تداوم این تعلق خاطر فرهنگی و قومی در کوران نفوذ فرهنگ‌های غالب امیدوار بود. هنر و صنایع‌دستی مهم‌ترین نمود بصری فرهنگی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد و یکی از بهترین گزینه‌ها برای حفظ هویت فرهنگی، تمسک به این موارد است. صنایع‌دستی اثری متعلق به روزگاران سپری شده است که در زمان حال به حیاتش ادامه می‌دهد و تا مدت‌ها پس از روزگار خویش باقی می‌ماند. در میان صنایع‌دستی بلوچ که انواع فراوانی را همچون حصیربافی، سفالگری، معرق صدف، طلاسازی و ... شامل می‌شود، سوزن‌دوزی با کاربرد تزئین پوشاک زنانه از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا پرکاربردترین و مورد پذیرش‌ترین وجه هنری این قوم است که همچنان در کنار زندگی شهرنشینی توانسته جایگاه خود را حفظ کند. به طور خلاصه دلیل اهمیت سوزن‌دوزی بلوچ جهت مطالعه به عنوان مورد پیشنهادی نشان فرهنگی این قوم را، می‌توان در قالب موارد زیر دسته بندی کرد:

۱- اهمیت لباس محلی و تزئینات آن در این فرهنگ و تعلق خاطر به آن‌ها به حدی بوده است که همچنان تفاوت‌های فردی در زمینه پوشاک به نفع تفاوت‌های قومی کنار گذاشته می‌شود. در نتیجه پوشاک و تزئینات آن به پراهمیت‌ترین مشابهت درون قومی آن‌ها تبدیل شده و مانع از سردرگمی هویتی در میان آن‌ها می‌شود.

۲- لباس و تزئینات آن، برای قوم بلوچ مهم‌ترین میراث فرهنگی محسوب می‌شود. زیرا می‌تواند با تحولات گذشته این قوم ارتباط برقرار کند و در فرآیند هویت‌یابی آن‌ها تأثیر داشته باشد.

۳- سوزن‌دوزی جزء صنایع‌دستی قرار می‌گیرد و این هنر-صنعت مهم‌ترین نمود فرهنگی جوامع کهن است که حفظ آن منجر به حفظ هویت فرهنگی می‌شود.

۴- در میان صنایع‌دستی بلوچ سوزن‌دوزی با کاربرد اصلی تزئین پوشاک، مورد پذیرش‌ترین آن‌ها است که همچنان جایگاه خود را در میان این قوم حفظ کرده است. از این حیث این هنر تنها رودوزی سنتی است که همچنان تمایل به استفاده فراوان از آن در پوشاک رومزه مردم محلی دیده می‌شود.

در ادامه با بررسی پیشینه تاریخی و فرهنگی قوم بلوچ و نیز زیبایی‌شناسی سوزن‌دوزی آن، به دلایل نهایی اثبات صحت انتخاب سوزن‌دوزی بلوچ به عنوان نشان فرهنگی خواهیم پرداخت.

آن بی‌هویت می‌یابد.» (تقوایی، ۱۳۹۱: ۷۱). اگر هویت از طریق اشتراکات جمعی به دست آید، هویت جمعی نامیده می‌شود که در میان یک قوم نیز دیده می‌شود. این نوع از هویت به مجموعه مشخصات و ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که یک قوم را از قوم دیگر متمایز کرده و بین آن‌ها احساس تعلق و انسجام ایجاد می‌کند.

این مشخصات به جهت نقشی که در شناخت افراد قوم دارد حائز اهمیت است. مثل پوشاکی که بین تمامی افراد با اشتراکات هویتی یکسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرد با پوشیدن پوشاکی خاص نسبت به گروه احساس تعلق پیدا می‌کند. به این ترتیب «هویت اجتماعی قادر است مانع جهت‌گیری فرد به هویت شخصی شود» (احمدلو، افروغ، ۱۳۸۱: ۱۱۳). در زمینه پوشاک این امر سبب می‌شود تا جهت‌گیری افراد همواره در راستای انتخاب قومی باشد. به واسطه همین هویت قومی است که «درصد کمی از زنان بلوچ تمایل به پوشیدن لباس‌های مدرن امروزی دارند» (عبداللهی، حسین‌بر، ۱۳۸۱)، زیرا تفاوت‌های فردی را به سود تفاوت‌های تمایز دهنده قومشان کنار گذاشته‌اند. این مردم خود را بیشتر از طریق مشابهت‌های درون قومی به خصوص زبان، پوشاک و غذا عضوی از قوم بلوچ می‌دانند. عناصر نمادینی چون پوشاک و تزئینات آن می‌تواند نشان‌دهنده تعلق قومی باشد. پوشاک سنتی در بین مردم بلوچ «هنجاری معین است که همه از آن پیروی می‌کنند» (گیدنز، ۱۳۹۳: ۳۶)، پس بخشی از فرهنگ آن‌ها است. به این ترتیب نمادهای تزئینی در پوشاک سنتی در قالب ارزش فرهنگی و هنری می‌تواند نشان‌دهنده هویت قومی باشد. لباس بلوچ میراث فرهنگی است زیرا می‌تواند «گذشته تاریخی و فرهنگی قومش را که به فرآیند هویت‌یابی کمک می‌کند در خود نشان دهد» (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۸۷).

رشد فزاینده فن‌آوری و سیل ارتباطات جمعی سبب سردرگمی در هویت فرهنگی شده (البرو، ۱۳۸۱) و تعلق خاطر فرهنگ‌ها به گذشته در حال نابودی است. زنده نگه‌داشتن ابعاد هویتی اقوام محلی، در حالی که جهانی‌شدن اهمیت قومیت‌ها را به کم‌ترین حد خود در طی تاریخ رسانده است، در قالب تعیین نشان فرهنگی آن‌ها ضرورت دارد. نشان فرهنگی یکی از روش‌هایی است که پست مدرنیتیه جهت مبارزه با تأثیرات نامطلوب مدرنیتیه برای حفظ تمایزات اجتماعی در جوامع نوین پیش رو قرار داده است. نشان‌های فرهنگی نقشی اساسی را در انتقال فرهنگ یک جامعه به عهده داشته و در ذهن‌ها می‌مانند. نشان فرهنگی تعیین‌کننده فردیت، آرمان‌ها و اهداف، ارزش‌ها و علائم شناسایی قومی بوده و همان هویت است. به شرطی افراد درک مناسبی از نشان فرهنگی به عنوان یک برند خواهند داشت که با فرهنگ آنان همخوانی داشته باشد.^۱ اصطلاح نشان‌سازی فرهنگی در مفهوم کلان به معنای خلق یک هویت و ایجاد تمایز در راستای ایجاد مطلوبیت

پیشینه تاریخی و فرهنگی قوم بلوچ

بلوچستان در جنوب شرقی ایران و در استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. بنا به نظر برخی از محققان، «اصطلاح بلوچستان از زمان نادرشاه (۱۱۶۰-۱۱۴۸ ق) در منابع فارسی پیدا شد» (قاسمی، ۱۳۹۲: ۶۲). این مردمان در اصل عشایر و دامپرور بوده‌اند. بلوچ‌ها شاخه‌ای از نژاد آریایی هستند و رابطه‌ها و پیوندهای بسیار نیرومند نژادی با سایر ایرانیان جنوب شرقی و مرکزی ایران دارند (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۵۵).

کتیبه‌های بیستون و تخت جمشید از قدیمی‌ترین اسنادی است که در آن‌ها به این سرزمین اشاره شده است. در این آثار از بلوچستان با عنوان «ماکا» یا «مک» یاد شده و این سرزمین چهاردهمین ایالت هخامنشی به شمار رفته است (مخبر، ۱۳۸۰: ۲۲). در دوره سلجوقیان، اقوام بلوچ از نواحی کرمان به سوی شرق و به داخل مکران و بلوچستان کنونی مهاجرت کردند (بویل، ۱۳۷۹: ۶۴). دلیل اصلی جانشینی اصطلاح بلوچستان برای این خطه نفوذ قبایل بلوچ در منطقه و کمک‌های فراوانی بود که سران این قبایل به نادرشاه کردند (سیدسجادی ۱۳۷۴: ۹۱).

گویش مردم این منطقه بلوچی است که از شاخه زبان‌های غربی ایران با ریشه هند و اروپایی به شمار می‌رود (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۲۸۴). پیش از گسترش اسلام، بلوچ‌ها پیرو دین زرتشت بودند اما در حال حاضر اکثریت آن‌ها مسلمان و پیرو مذهب تسنن هستند (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۸).

درباره فرهنگ و شیوه زندگی مردم بلوچ در متون تاریخی اطلاعات زیادی درج نشده است. کهن‌ترین منابع در این خصوص منابع فارسی و عربی به جامانده از نخستین سده‌های اسلامی است. در این منابع، اقوام بلوچ مردمانی قوی دانسته شده‌اند که از راه دامپروری امرار معاش کرده و در خیمه‌هایی موبین زندگی می‌کنند. «بلوچ‌ها تا چند دهه قبل نیز به صورت قبیله‌ای و عشیره‌ای زندگی کرده و از طریق شبانی و کشاورزی امرار معاش می‌کردند» (شه بخش، ۱۳۷۳: ۱۰).

کوچ‌نشین بودن آن‌ها همواره مانع تدوین فرهنگشان بوده است. طی چند دهه اخیر نوعی زندگی نیمه‌کوچ نشینی در میان بلوچ‌ها رایج شد. «بلوچستان تا اواخر دوره قاجاریه فاقد شهرهای مبادلاتی و مناسبات اجتماعی شهری بوده است» (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۷۲). امروزه زندگی شهری نیز یکی از اشکال متداول زندگی در میام قوم بلوچ است.

با ورود قوای نظامی حکومت پهلوی اول در سال (۱۳۰۷ ش) به بلوچستان، شهرهایی به سبک جدید ایجاد شد. این موضوع تغییر بعضی ملاک‌ها و ارزش‌های اجتماعی را به همراه داشت. «عنصر "ذات" پایگاه اجتماعی بلوچ‌ها را تعیین می‌کند» (برقعی، ۱۳۳۶: ۶۶) و از عوامل اصلی اتحاد در میان آن‌ها به شمار می‌رود.

نقش هویتی سوزن دوزی بلوچ

هر یک از اقوام ایرانی با به اشتراک گذاری میراث خود به غنای فرهنگ ایران افزوده‌اند. در این میان «پوشاک بارزترین نمود عینی تشخیص اقوام گوناگون ایرانی از یکدیگر است و نوعاً یکی از اسناد هویت آنان به شمار می‌رود» (موسوی حاجی، محمودی، قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۷۹). پوشاک از راه مجموعه‌ای علائم مادی، یک نظام ارتباط فرهنگی در میان مردم برقرار می‌کند که دریافت معانی آن مستلزم درک فرهنگ آنان است (بلوکباشی، ۱۳۸۲: ۱۷). قوم بلوچ نیز دارای پوشاک مخصوص به خود است که یکی از قوی‌ترین ملاک‌های تمایزشان از دیگر طوایف ایرانی است. این قوم با حفظ ارزش‌های فرهنگی خود در غالب پوشاک، موفق به حفظ میراث فرهنگی خود شده است. «تغییرات اندک پوشاک بلوچ نشان دهنده تداوم هویت قومی آن‌هاست.» (موسوی حاجی، محمودی و قاسمی: ۱۳۹۳: ۱۸۱).

نظریات گوناگونی در زمینه بررسی پوشاک از نوع اجتماعی مطرح است. اما از آن میان نظریه کارکرد اجتماعی یا نظریه‌های غیرتاریخی نسبت به لباس، رویکردی نمادین داشته و آن را به عنوان زبانی از علائم معرفی می‌کند که قابل رمزگشایی است (بلوکباشی، ۱۳۸۲: ۲۸). در این تحقیق به دلیل توجه به ارزش‌های نمادین تزئینات پوشاک بلوچ در زمینه هویت، نظریه کارکرد اجتماعی مورد توجه است. حفظ پوشاک، همراه با درک از زیبایی‌شناسی آن و ارزش‌های نمادینش به تقویت احساس تعلق فرهنگی منجر خواهد شد. «سنجش میزان علاقه به استفاده از پوشاک محلی در بلوچستان طبق بررسی‌های آماری انجام شده در یک پژوهش بیش از هشتاد درصد بوده و این علاقه در میان تمامی گروه‌های سنی دیده شده است» (موسوی حاجی، محمودی و قاسمی ۱۳۹۳: ۱۹۸). جهت تداوم هویت فرهنگی این قوم و ارتقا سطح شاخص‌های فرهنگشان باید توجه بیشتری به هویت پوشاک محلی و هنر سوزن‌دوزی آن‌ها کرد. چرا که «سوزن‌دوزی، شیوه تفکر و درک پدیدآورندگان خود از دنیای پیرامون را نمایان می‌سازند» (همان: ۱۹۸ و ۱۹۹). در حقیقت «هنرمندان بلوچ با ارائه طرح‌ها، نقش و نگارها، محیط، جامعه، باورها و رفتارها، خواست‌ها و آرزوهای خودشان را بازگو می‌کنند» (بیهقی، ۱۳۶۵: ۴۶).

سوزن‌دوزی، سوچن‌دوزی و یا بلوچی‌دوزی از اصیل‌ترین هنرهای رایج در میان بلوچ‌ها و به‌خصوص زنان بلوچ است که به دلیل نبودن منابع کافی، بررسی پیشینه و تعیین قدمت تاریخی آن امکان پذیر نیست (افشار سیستانی، ۱۳۶۳: ۲۶۹). شاید نتوان سند دقیقی از تاریخچه هنر سوزن‌دوزی ارائه نمود، اما می‌توان در سنگ‌نگارها و سفال‌های پیش از تاریخ، اشکالی هندسی مشابه نقوش سوزن‌دوزی بلوچ مشاهده کرد. (تصویر ۱) برخی از



تصویر ۲. نمونه ای از پوشاک زنانه بلوچ. مأخذ: www.newsdownload.ir.

طی آن «نگاره‌های مختلف بر روی پارچه‌های بدون نقش از طریق دوختن و یا کشیدن قسمتی از نخ‌های تار و پود به وجود می‌آید. رودوزی‌های سنتی باید علاوه بر جنبه زیبایی، کاربردی نیز باشند» (یاوری، ۱۳۸۹: ۱۱۱). رودوزی‌های سنتی کلاً به ۶ دسته تقسیم می‌شوند. «بلوچی دوزی و یا سوزن دوزی بلوچ در این تقسیم‌بندی شش‌گانه جزو انواع پرکار قرار می‌گیرد که در آن‌ها زمینه اصلی مشخص نبوده، دوخت و الوان موجب پیدایش زمینه تازه‌ای پر از نقش و نگار می‌شود» (یاوری، ۱۳۹۰: ۲۳). پرکار بودن و یا کم‌کار بودن سوزن‌دوزی و ظرافت نخ و هماهنگی رنگ‌ها نقش مهمی در ارزش آن دارد.

رنگ‌های سنتی این هنر به شش عدد محدود می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها رنگ‌های جگری تیره و سنگرف روشن یا نارنجی، سیاه، سفید، سبز و آبی است (رنج‌دوست، ۱۳۸۷: ۲۴۴) (تصویر ۳). نقوش طبیعی سوزن‌دوزی بلوچ گستره موضوعی متنوعی را در برمی‌گیرد که آن‌ها را می‌توان در سه گروه کلی نقوش گیاهی، حیوانی و ملهم از طبیعت جای داد (تصویر ۴ الف، ب، پ). در این بین کاربرد نقوش گیاهی در قالب‌های هندسی بیشتر از دیگر انواع می‌باشد. قرینه‌سازی عنصری اساسی در این هنر است (تصویر ۵). نقوش سوزن‌دوزی بلوچ تجریدی و شکسته است و رو به سوی ساده‌گرایی دارد. اساس زیبایی‌شناسی این هنر را می‌توان در هندسی بودنش دانست. نقش و نگارهای سوزن‌دوزی بلوچ بن‌مایه ذهنی داشته و در حین کار قابلیت تغییر دارد. «حدود ۵۰ تا



تصویر ۱. نمونه ای از سفال فلات مرکزی ایران با نقوش هندسی مشابه نقوش سوزن دوزی بلوچ، هزاره چهارم قبل از میلاد. مأخذ: www.pinterest.com.

پژوهشگران برآنند که این شیوه دوخت از اوایل اسلام در میان مردم بلوچ رایج بوده و در دوره ایلخانی و به‌خصوص تیموری و صفوی به اوج خود رسیده است (خاموشی، ۱۳۸۷: ۷۳).

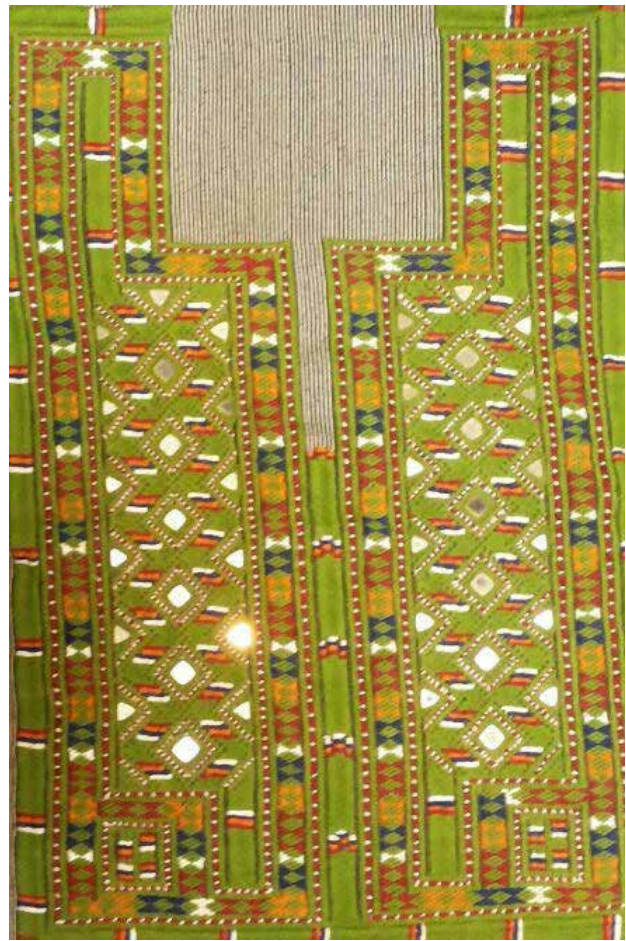
سوزن‌دوزی با زندگی زن بلوچ آمیخته است و کمتر زن یا دختری را می‌توان یافت که با این هنر آشنائی نداشته باشد. نقش و نگارهای سوزن‌دوزی نسل به نسل توسط مادران به دختران انتقال می‌یابد. هیچ جامه زنانه‌ای یافت نمی‌شود که سوزن‌دوزی بر روی آن نقش نبسته باشد. (تصویر ۲)

انگیزه این قوم از خلق آثار هنری در قالب محصولات کاربردی، غیر از رفع نیازهای اولیه، تلاش برای انعکاس باورها و آرزوهایی است که در ارتباط با دنیای واقعی شکل گرفته است. نقوش سوزن‌دوزی بلوچ از اشکال منظم هندسی تشکیل و از میان عناصر طبیعی محیط اخذ شده است. تنوع در نقوش سوزن‌دوزی بلوچ از ویژگی‌های بارز آن است. گستردگی این نقش و نگارها از تکرار تعداد بی‌شماری از نقوش هندسی به وجود می‌آید. البته نمی‌توان استفاده از این نوع رودوزی را محدود به منطقه بلوچستان ایران دانست. این نوع از سوزن‌دوزی در یک منطقه بزرگ جغرافیایی از قدیم مورد استفاده بوده است. سوزن‌دوزی بلوچ موفق به دریافت مهر اصالت از سازمان جهانی یونسکو و ثبت در میراث معنوی شده و نشان مرغوبیت ایرانی- بلوچی را از آن خود کرده است.^۲

سوزن‌دوزی بلوچ جزو هنرهای رودوزی، طبقه‌بندی می‌شود. اصطلاح رودوزی یا روکاری برای هنری به کار برده می‌شود که

۷۰ نقش مایه برای سوزن‌دوزی بلوچ شناسایی شده است که هر یک نام خاصی دارد» (همان: ۲۴۴). از مشهورترین و مرغوب‌ترین نمونه‌های سوزن‌دوزی می‌توان به تولیدات مناطق قاسم‌آباد، بمپور و نکوچ ایرانشهر و چانف در شهرستان نیک شهر و آهوران اشاره کرد (همان: ۲۴۴).

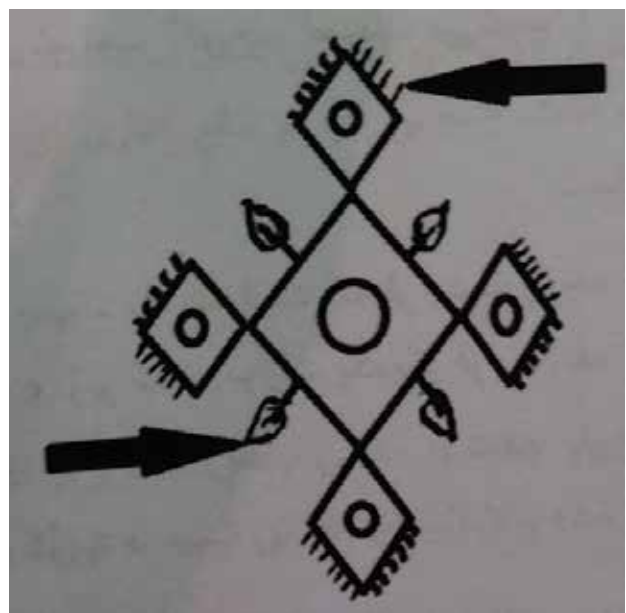
مدت‌های بسیار طولانی‌ای از یکجانشین شدن قوم بلوچ می‌گذرد. اما همچنان در بسیاری از خانه‌های روستایی سیاه چادرهای بلوچی برپاست و نقوش هندسی مربوط به پیش از یکجانشینی همچنان در هنر بلوچ‌ها و از جمله در سوزن‌دوزی بکار می‌رود. (تصویر ۶) نمادین و تجربیدی بودن نقوش، عاملی مشترک در میان هنر تمام اقوام عشایر ایران محسوب می‌شود. زندگی عشایر ابتدایی‌تر از یکجانشینی محسوب می‌شود. نقوش هندسی نیز نسبت به نقوش طبیعت‌گرا که خطوط نرم در آن بکار می‌رود مقدماتی است. در بررسی سیر تحول تاریخ هنر نیز در شکل‌گیری هنرهای تصویری ابتدا ارجحیت با اشکال هندسی بوده است. رفته رفته اقامت دائم در شهرها سبب گرایش به نقوش نرم‌تر می‌شود. به عنوان نمونه در پته کرمان که از نظر جغرافیایی و ارتباطات فرهنگی، نزدیکی زیادی با قوم بلوچ دارند، به دلیل سابقه شهرنشینی طولانی از نقوش گیاهی و طبیعت‌گرا و مملو از خطوط نرم استفاده می‌شود. گرایش به این نوع نقوش ضرورت استفاده از پارچه با تار و پود مشخص و عمود بر هم را که در سوزن‌دوزی بلوچ مرسوم است از بین برده است. در پته کرمان به صورت سنتی از پارچه‌های کج راه



تصویر ۳. رنگ‌های سنتی نمونه‌ای از قطعه پیش‌سینه سوزن‌دوزی بلوچ
عکس: گلناز کشاورز، ۱۳۹۵.



تصویر ۴ ب. نمونه نقش حیوانی سوزن‌دوزی بلوچ موسوم به دم طاووس.
مأخذ: ریگی، ۱۳۹۱: ۴۸.



تصویر ۴ الف. نمونه نقش گیاهی سوزن‌دوزی بلوچ. شکل ساده شده گل و شکوفه. مأخذ: www.bing.com.



تصویر ۵. نمونه ای از نقوش قرینه سوزن دوزی بلوچ.
عکس: گلناز کشاورز، ۱۳۹۵.



تصویر ۴. نمونه نقوش سوزن دوزی بلوچ ملهم از طبیعت موسوم به اشک عروس. مأخذ: ریگی، ۱۳۹۱: ۶۱.



تصویر ۷. نمونه ای از پته دوزی کرمان.
مأخذ: www.aranick.com.



تصویر ۶. نمونه ای از سیاه چادر بلوچی.
مأخذ: www.mehrnews.com.



تصویر ۸. نمونه نقوش تجریدی سوزن دوزی بلوچ به همراه آینه کاری.
عکس: گلناز کشاورز، ۱۳۹۵.

استفاده می‌شود (تصویر ۷).

سوزن‌دوز با پیرایش نقش آن را انتزاع کرده و به حداقل واقعیت صوری خود تقلیل می‌دهد. اغلب در میان این نقوش طرح‌هایی یافت می‌شود که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن‌ها را به مظاهر خارجیشان ارتباط داد (تصویر ۸). زیرا هنرمند دست به تجرید زده و انتقال مفاهیم ذهنی‌اش اولویت داشته‌است. آثار سوزن‌دوزی بلوچ جدا از کارکردشان در حیطه صنایع دستی، اثر هنری است و همچون هر اثر هنری دیگر «به مثابه نماد و استعاره‌ای غیر کلامی تلقی می‌شوند» (گات، ۱۳۹۳: ۲۱۸). به همین دلیل شناخت مفاهیم نمادین سوزن‌دوزی بلوچ و تاویل آن‌ها بسیار پیچیده بوده و همواره فرضیات گوناگونی درباره آن مطرح خواهد بود. نقوش سوزن‌دوزی بلوچ استعاره‌ای از مفاهیم فرهنگی، اقلیمی و زیبایی‌شناسی این مردمان است که در ناخودآگاه زنان سوزن‌دوز نقش بسته و به عنوان میراثی فرهنگی نسل به نسل منتقل شده‌است.

نتیجه‌گیری

با توجه به پیشینه عشایری بلوچ‌ها، استعاره فرهنگیشان بهترین ظهور را در اشکال هندسی سوزن‌دوزی یافته‌است. چند دلیل را می‌توان برای زیبایی‌شناسی هندسی سوزن‌دوزی بلوچ ذکر کرد:

۱- هندسی بودن نقوش سوزن‌دوزی نتیجه پیشینه زندگی عشایری این قوم است. ذات جابجایی مداوم و عدم امکان استفاده از طرح‌های مکتوب برای هنرهای گوناگون و لزوم ذهنی بودن آن‌ها خود به خود گرایش هنر عشایر را به سمت زیبایی‌شناسی هندسی سوق می‌دهد.

۲- لزوم استفاده از پارچه‌هایی با تار و پود عمود در کنار ذهنی بودن نقوش، کاربرد طرح‌های هندسی را برای سوزن‌دوزی بلوچی سهل‌تر کرده‌است. این امر در مورد دست‌بافته‌ها که بر مبنای تقسیمات عمودی و افقی به واسطه تار و پود هاست نیز دیده می‌شود. بیشتر نقوش بکار رفته در دست‌بافته‌های عشایری، هندسی هستند.

۳- اصل بودن نقوش بکار رفته در سوزن‌دوزی بلوچ که بنابر زیبایی‌شناسی هندسی‌اش ریشه در گذشته زندگی عشایری این مردمان دارد. سوزن‌دوزی زیباترین و پرکاربردترین نمود بصری هویت گذشته قوم بلوچ است.

۴- ویژگی‌هایی چون نقوش ساده و هندسی، روش تهیه آسان، مواد اولیه قابل دسترس و قابلیت استفاده بر انواع محصولات، امکان تطبیق این هنر را با تغییرات هنرهای معاصر و استفاده در هنرهای بصری دیگر ممکن می‌نماید.

۵- تاویل‌پذیری نقوش سوزن‌دوزی به دلیل انتزاعی بودن آن‌ها، کاربرد وسیعی برای آن از جمله در منظر شهری و هنرهای مربوط به آن تعریف می‌کند و بر این اساس می‌توان اصول زیبایی‌شناسی آن را به راحتی استخراج کرد و در نشان‌سازی فرهنگی مورد استفاده قرار داد.

در واقع در میان مشخصات زیبایی‌شناسی سوزن‌دوزی بلوچ، فرم هندسی آن که در این پژوهش نیز مورد تاکید قرار گرفت، بیش از موارد دیگری چون رنگ و بافت در انتخاب آن به عنوان نشان فرهنگی تأثیر دارد. در کنار فرم مناسب هندسی این سوزن‌دوزی، کاربرد فراوانش را نیز باید لحاظ کرد. مهم‌ترین مشخصات فرهنگی و هویتی قوم بلوچ در قالب نقوش هندسی سوزن‌دوزی و مرتبط با پیشینه عشایری آن‌ها تبلور یافته‌است. ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و تجسمی سوزن‌دوزی بلوچ از نظر فرم هندسی، تا حد زیادی قابلیت انطباق با مشخصات فرهنگی و هویتی این قوم را دارد و سوزن‌دوزی بلوچ به طور کامل می‌تواند ما به آراء بصری فرهنگی قوم بلوچ باشد.

صنایع دستی محل بروز باورها و خرده فرهنگ‌های اقوام مختلف است و همچون رابطی میان هویت گذشته و معاصر هر قومی عمل می‌کند. هنر تزئین پوشاک از جمله صنایع دستی است که باورها و ارزش‌های غیرمادی جامعه را گسترش می‌دهد. این هنر در غالب سوزن‌دوزی، صنایع دستی غالب قوم بلوچ است و مهم‌ترین وجه فرهنگی آن‌ها است که بیشترین تمرکز را بر تزئینات لباس‌های زنانه دارد. بیشتر ساکنان منطقه بلوچستان به حفظ پوشاک سنتی زنان خود و در نتیجه سوزن‌دوزی‌های آن پایبندند. التزام قوم بلوچ به استفاده از پوشاک محلی و تزئینات آن سبب ایجاد منظر فرهنگی و هویتی متمایزی در شهرهای آن شده‌است. کاربرد فراوان و مشاهده مکرر این هنر بر پوشاک سنتی بلوچ به دلیل اهمیتی که این قوم بر هویت فرهنگی خود دارند، این هنر را به کاندیدای مناسبی برای نشان فرهنگی بلوچ تبدیل کرده‌است. دلایل زیر را می‌توان جهت اثبات فرضیه پژوهش مورد بررسی قرار داد:

۱- نمود فراوان لباس سنتی و سوزن‌دوزی‌هایش در منظر مناطق مختلف بلوچستان. سوزن‌دوزی بلوچ تنها رودوزی سنتی ایرانی است که هنوز هم از اقبال فراوان در تزئینات پوشاک روزمره برخوردار است، به این ترتیب این هنر به محیط مردمان بلوچ رنگ هویت می‌بخشد.

۲- وابستگی هویتی که این قوم به گذشته عشایری خود دارند و همچنان از نمودهای فرهنگی آن به صورت نقوش هندسی، در صنایع دستی بهره می‌برند.

فهرست منابع

- ابراهیمی، مریم. (۱۳۸۸). تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان و بلوچستان در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۲ه، تهران: انتشارات بخارا.
- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۷۴). تاریخ زبان فارسی، تهران: سمت.
- احمدلو، حبیب و افروغ، عماد. (۱۳۸۱). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، ۱۱۲: ۱۳-۱۲۱
- احمدی، حمید. (۱۳۷۸). قومیت‌گزینی در ایران، تهران: نشر نی.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۳). نگاهی به سیستان و بلوچستان (سرزمین آزادگان سخت‌کوش). نشر هما: تهران.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۰). عشایر و طوایف سیستان و بلوچستان، تهران: مؤسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش.
- البرو، مارتین. (۱۳۸۱). عصرجهانی، جامعه‌شناسی پدیده جهانی شدن، ترجمه: ناردسالارزاده احمدی، تهران: آزاد اندیشان.
- برقی، محمد. (۱۳۳۶). سازمان سیاسی حکومت بنت مجموعه بلوچستان، تهران: انتشارات مازیار.
- بلوکباشی، علی. (۱۳۸۲). مقدمه کتاب پوشاک در ایران زمین، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه: پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- بویل، جان‌اندرو. (۱۳۷۹). تاریخ ایران: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان، ترجمه: حسن انوشه. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۵). هنر و فرهنگ بلوچ، فصلنامه هنر، ۱۰: ۴۴۴ - ۴۷۱.
- تامپسون، جان. (۱۳۷۸). ایدئولوژی و فرهنگ مدرن، ترجمه: مسعود اوحدی، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده‌پویان.
- تحول کاربرد تزئین در سوزن‌دوزی بلوچ و ترکمن، فصلنامه هنر اسلامی، ۹: ۷۸-۹۸.
- تقوایی، سید حسین. (۱۳۹۱). از سبک تا هویت در معماری. هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، (۱۷) ۲: ۶۵-۷۳.
- خاموشی، زهرا. (۱۳۸۷). تحول کاربرد تزئین در سوزن‌دوزی بلوچ و ترکمن به شیوه سنتی و مدرن، دو فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، (۹): ۷۳-۹۸.
- رنج دوست، شبنم. (۱۳۸۷). تاریخ لباس ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشاراتی جمال هنر.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۸۸). زمینه فرهنگ شناسی: تالیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، تهران: نشر عطار.
- ریگی، زهرا. (۱۳۹۱). سوزن‌دوزی بلوچ، چاپ اول، تهران: انتشارات کریم کاویانی.
- سید سجادی، سید منصور. (۱۳۷۴). باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شه‌بخش، عظیم. (۱۳۷۳). پژوهشی در تاریخ معاصر بلوچستان، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
- صادقی دخت، صدیقه. (۱۳۸۹). سوزن‌دوزی بلوچ، چاپ اول، مشهد: نگارستان هنر.
- عبد‌اللهی، محمد و حسین‌بر، محمد عثمان. (۱۳۸۱). گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۴ (۲): ۱۰۱-۱۲۶.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶). حوزه سیاسی بازارهای قومی ملی، مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی جامعه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.
- گات، بریس. (۱۳۹۳). دانشنامه زیبایی‌شناسی، گروه مترجمان: منوچهر صانعی دره‌بیدی، امیرعلی نجفیان و ...، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی، مترجم: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- متین، پیمان. (۱۳۸۳). پوشاک و هویت قومی و ملی، فصلنامه مطالعات ملی، ۵ (۱۹): ۳۷-۴۸.
- مخبر، محمدعلی. (۱۳۸۰). مرزهای ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- معیدفر، سعید؛ شهلای بر، عبدالوهاب. (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و شکل‌گیری سیاست‌فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی هویت ملی، نشریه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۵۶ و ۵۷: ۱۸۳ - ۲۰۸
- موسوی حاجی، سید رسول، خاتون محمودی، سکینه، قاسمی،

- *Oxford English Dictionary*. (2008). Edited by Catherine Soanes & Angus Stevenson, 11th Edition Revised, Oxford, New York: University Press Inc.
- Ashcroft, Bill & Griffiths, Gareth & Tiffin, Helen. (1998). *Key Concepts in Post-colonial Studies*, London: Psychology Press
- Stedman, R. C. (2003). Is it really just a social construction? The construction of the physical environment to sense of place. *Society & Natural Resources*, 16(8): 671-685

- مرضیه. (۱۳۹۳). پوشاک محلی بلوچها و پیوستگی آن با هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، ۵۷ (۱): ۱۸۰-۲۰۰.
- یاوری، حسین. (۱۳۸۹). شناخت صنایع دستی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات مهکامه.
- یاوری، حسین، منصور، آنیتا، سلطانی، شریعه. (۱۳۹۰). آشنایی با هنرهای سنتی ایران (۳)، چاپ اول، تهران: انتشارات آذر.
- یوسفی، علی. (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۲ (۸): ۴۲-۱۳.